

هو الرزاق

برگرفته از کتاب: **قرض الحسنه ( ویرایش دوم )**

مؤلف: **محمد حسین ابراهیمی**

مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

## قرض الحسنه در قانون

قرض الحسنه در بانکهای جمهوری اسلامی ایران

در آیین نامه فصل دوم قانون عملیات بانکی بدون ربا، ماده سوم آمده است:

بانکها می توانند به منظور تجهیز سپرده های قرض الحسنه بدون تعهد و قرارداد با سپرده گذار، هر یک و یا تمام امتیازات ذیل را به سپرده گذاران اعطا نمایند:

اعطای جوایز غیر ثابت نقدی یا جنسی؛ ۲. تخفیف و یا معافیت از پرداخت کارمزد خدمات بانکی؛ ۳. دادن حق تقدم برای استفاده از تسهیلات اعطایی بانکی؛ نوع میزان، حداقل و حداکثر امتیازات مذکور به تصویب شورای پول و اعتبار خواهد رسید. این ماده، بیانگر مکانیسمی از سپرده گذاری است که قرض دهنده به بانک را بدون شرط و تعهد قبلی، تشویق و ترغیب به حساب باز کردن در بانک می کند. البته هدف سپرده گذار بالاتر از سه عنوانی است که در بالا اشاره شد، ولی می توان مصداقی برای « خیرالقرض ما جر المنفعة» باشد، که در روایات به آن اشاره شده است.

در ماده پانزدهم از مجموعه قوانین و مقررات بانکی، قرض این طور تعریف شده است:

قرض الحسنه عقدی است که به موجب آن، یکی از طرفین (قرض دهنده) مقدار معین از مال خود را به طرف دیگر (قرض گیرنده) تملیک می کند که قرض گیرنده، مثل و یا در صورت عدم امکان، قیمت آن را به قرض دهنده رد نماید. در این ماده، چند نکته آمده که نیازمند به توضیح است:

گفته شده که قرض، عقد است، ولی گفته نشده که چه نوع عقدی است. آیا عقد جایز است یا لازم. منظور از عقد جایز این است که هر وقت قرض دهنده خواست می تواند به قرض گیرنده مراجعه کند و وجه خود را دریافت دارد. از ماده دوم قانون قرض که در فوق به آن اشاره شد، برمی آید که قرض را از عقود جایز گرفته اند، زیرا در همین ماده آمده است: «استرداد اصل سپرده های قرض الحسنه توسط بانکها تعهد و تضمین می گردد و بانکها مکلفند، عندالمطالبه اصل سپرده های قرض الحسنه را مسترد دارند.» اگر مراد از عقد، قرضی لازم باشد (یعنی از عقود لازم باشد) معنایش این می شود که این عقد فسخ نمی شود و اگر افراد به بانک،

پول قرضی داده اند و در آن مدت تعیین کرده اند، تا این مدت به سر نیامده عقد به حال خودش باقی است و نمی توانند آن پول را از بانک بیرون بکشند و اگر هم به افراد به صورت دستگردان مبلغی قرض داده اند، بدین گونه است، که در عرف هم همین طور است؛ مثلاً شخصی به دیگری مراجعه می کند و می گوید: فلان مقدار تا سه ماه به من قرض بده و او هم قبول می کند و تا هنگامی که مدت تمام نشده، صاحب پول نمی تواند پولش را طلب کند، خصوصاً اگر نوشته ای در بین باشد که در آن مدت تعیین شده است. شاید از آیه «الی اجل مسمی» که در سوره بقره آمده است، بتوان عقد لازم را برای قرض استنباط کرد. همچنین از فتوای حضرت امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله همین موضوع استفاده می شود که فرموده اند: «الاقوی ان القرض عقد لازم» یعنی اقوا این است که قرض از عقود لازم است. مناسب است که در ماده قانون فوق، به این موضوع اشاره شود و آثار اقتصادی آن بیان گردد.

منظور از قرض گیرنده و دهنده، که در ماده پانزدهم آمده بود، می تواند بانکها و صندوقها و شرکتها و موسسات دولتی و خصوصی و افراد باشد، ولی موضوع قرض اختصاص به قرض شخصی ندارد، بلکه دولت به دولت یا به ملت هم می تواند قرض بدهد.

در ماده پانزدهم آمده بود که قرض تملیک مال است؛ یعنی، قرض دهنده، قرض گیرنده را مالک بر مال خود می کند و موقعی که قرض گیرنده آن پول را گرفت، مال اوست و او ضامن مسترد نمودن مثل آن یا قیمت آن است و از نظر حقوقی معنایش این است که اگر آن مال در دست گیرنده قرض تلف شود و از بین رود، قرض دهنده ضامن نیست و اگر سودی هم از آن پول برده شده، باز هم مال قرض دهنده نخواهد بود و واقعاً رابطه بین مالک و پولش قطع شده است.

همان طور که در بحث لغوی از واژه قرض گفتیم، قرض به معنای قطع است؛ یعنی، رابطه مالک و پولش در قرض الحسنه بریده می شود، به خلاف مضاربه که نوعی ارتباط بین مالک و دارایی او - که در دست عامل است - وجود دارد.

امروزه در میان مردم، غالب قرضها با پول است و نه با کالا، چون پول جزء اعتبارات است و در آن اختلافی پیش نمی آید. اما اگر در قرض، کالا مبادله شود؛ مثلاً، یک اسب یا یک ماشین قرض بدهند و بخواهند مثل آن را دریافت کنند و در قیمت هم از نظر حقوقی این مشکل پیش می آید که قیمت آن چقدر است و قیمت کدام روز باید گرفته شود؛ مثلاً اگر کسی اسبی را قرض داده و از روز قرض دادن تا روزی که قیمت آن را می خواهد پس بگیرد و یک سال طول کشیده و در این مدت، قیمت اسب بالا و پایین رفته است، میان فقها در گرفتن قیمت آن، چهار نظر وجود دارد:

الف) برخی از فقها می گویند که باید قیمت روز قرض گرفتن (یوم الاقتراض) محاسبه شود.

ب) برخی دیگر می گویند که باید قیمت روز پس دادن قرض (یوم الرد) محاسبه شود.

ج) برخی دیگر می گویند، باید قیمت روزی گرفته شود که آن کالا (مثلاً اسب در مثال فوق) به حداکثر قیمت خود رسیده است که به آن «اعلی القیم» می گویند.

د) برخی دیگر نیز می گویند، باید قیمت روزی محاسبه شود که همانند آن کالا، نایاب شده و به « یوم تعذر المثل » می گویند.

در میان نظریات فوق، نظر اول مناسبتر است که در پیش به آن اشاره کردیم .

پس با توجه به اختلافی که وجود دارد و از نظر حقوقی نتایج متفاوتی در بر دارد، ممکن است قرض دهنده ضرر یا سود نماید. فتوای

امام خمینی ( ره ) در تحریرالوسیله این است که : « مناسب است که قیمت آن روزی که قرض کرده، داده شود، ولی احتیاط، جلب

رضایت قرض دهنده یا مصالحه نمودن است». در هر صورت مناسب است این موضوع حقوقی پیش بینی شود.

در ماده هفدهم قانون فوق آمده است:

هزینه های پرداخت قرض الحسنه در هر مورد بر اساس دستورالعمل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، محاسبه و از قرض

گیرنده دریافت خواهد شد.

مقصود از این ماده این است که کارمزد بانک ( که مقدمات قرض گرفتن را فراهم نموده) به عهده خود قرض گیرنده است. و این

موضوع محل اشکال نخواهد بود، اما مقدار آن کارمزد چقدر است و بانک چگونه آن را محاسبه می کند؟ آیا لازم است، قبل از

فعالیت بانکی مقدار کارمزد را به گیرنده قرض بگویند، که اگر قرض گیرنده ببیند کارمزد زیاد است ، قرض نخواهد یا به صندوق

دیگر مراجعه کند؟ آری، در هر صورت، مصالحه و رضایت طرفین لازم است. متأسفانه فعلاً در صندوقهای قرض الحسنه موجود، این

موضوع در ابتدای امر بیان نمی شود، خصوصاً بانکهای دولتی که کارمزد زیادی می گیرند، مناسب است آن مقدار را از پیش به قرض

خواه بگویند.

#### بانکهای اسلامی

آنچه از تاریخ بانکهای اروپایی در سالهای ۱۷۷۸ تا سالهای ۱۸۶۴ میلادی به دست می آید، این است که در آن زمان نوعی از

صندوقهای خیریه با آیین نامه ویژه وجود داشته و در کشورهای انگلستان، امریکا، فرانسه و ایتالیا دایر بوده است؛ اما این ، هیچ

ربطی به قانون قرض الحسنه در نظام جمهوری اسلامی ندارد. همچنین در دهه های اخیر، اولین بانکهای اسلامی بوجود آمده که در

دوبی (۱۹۷۵)، سودان، مالزی، قطر و بنگلادش (۱۹۸۳) بود و در انگلستان بانک بین المللی برکت و در بحرین و اخیراً در جدّه

بانک توسعه اسلامی و همچنین در پاکستان تحت همین عنوان، بانکهایی تدسیس شده است که اینها هیچ کدام قانون قرض الحسنه

را که در مباحث پیشین به آن اشاره شد، ندارند.

#### قرض در قوانین مصر و فرانسه

آن طور که قانون قرض و نحوه اجرای آن در قانون نظام جمهوری اسلامی ایران آمده، در قانونهای موجود دنیا نیامده است. در

کتاب « عقدالقرض فی الشریعة الاسلامیة » از علاءالدین خروفه، کلیاتی از قانون مصر قدیم و جدید آمده، همچنین در ماده ۱۸۹۲

قانون فرانسه شرایط قرض بیان شده است .